

نقش میانجی پذیرش خویشتن در رابطه ویژگی‌های شخصیتی و نیازهای گلاسر با کیفیت رابطه زناشویی*
 عاطفه مبلیان^۱، محمدمسعود دیاریان^۲، زهرا یوسفی^۳

The role of self-acceptance in relation personality factors and glasser's needs regulation with marital satisfaction

Atefeh Moblian¹, Mohamadmasoud Dayarian², Zahra Yousefi³

چکیده

زمینه: مطالعات متعددی به بررسی کیفیت رابطه زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی، نیازهای گلاسر و پذیرش خویشتن پرداخته اند. اما پژوهش پیرامون نقش میانجی پذیرش خویشتن در رابطه ویژگی‌های شخصیتی و نیازهای گلاسر با کیفیت رابطه زناشویی مغفول مانده است. **هدف:** هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی پذیرش خویشتن در رابطه ویژگی‌های شخصیتی و نیازهای گلاسر با کیفیت رابطه زناشویی در بین زوج‌های شهر اصفهان بود. **روش:** این پژوهش از نوع همبستگی با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش شامل زوج‌های ۲۰ تا ۵۰ ساله شهر اصفهان در سال ۱۳۹۶ بودند که حداقل دو سال از ازدواج آنها گذشته بود. نمونه آماری شامل ۲۸۰ زوج بود که به صورت در دسترس از مناطق مختلف شهری انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش عبارت بودند از پرسشنامه پنج عامل شخصیت نئو (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۲)، پرسشنامه کیفیت ابعاد رابطه (فلیچر، سیمپسون و توماس، ۲۰۰۰)، پرسشنامه نیازهای اساسی (صاحبی، ۱۳۸۰) و پرسشنامه پذیرش خویشتن (چمبرلین و هاگا، ۲۰۰۱). داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمون‌های مدل ساختاری و تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ و AMOS نسخه ۲۴ تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی (توافق‌پذیری، تجربه‌گرایی و وجدان‌گرایی) و نیازهای گلاسر (عشق و تعلق خاطر) با کیفیت رابطه زناشویی رابطه مثبت و معنادار و ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجوری) و نیازهای گلاسر (قدرت و تفریح) رابطه منفی و معنادار دارند ($p < 0/05$). نتایج ارزیابی شاخص‌های برازش نشان داد که مدل نهایی پژوهش به صورت قابل قبولی با داده‌های جمع‌آوری شده برازش دارد و مدل مفهومی پژوهش تأیید می‌شود ($p < 0/05$). متغیرهای مذکور پس از تحلیل عامل تأییدی وارد مدل‌سازی معادلات ساختاری شدند و سایر متغیرها از مدل حذف شدند. نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی و نیازهای گلاسر به واسطه پذیرش خویشتن بر کیفیت رابطه زناشویی تأثیر معناداری دارند. **نتیجه‌گیری:** نتایج نیز بیانگر این بود که پذیرش خویشتن نقش واسطه معنادار اثرات متغیرهای ویژگی‌های شخصیت و نیازهای گلاسر بر کیفیت رابطه زناشویی است. **واژه کلیدیها:** کیفیت رابطه زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی، نیازهای گلاسر، پذیرش خویشتن.

Background: Numerous studies have examined the causes of marital relationship quality. However, research on the development of structural model for predicting marital satisfaction based on personality factors and Glasser's needs regulation strategies has been neglected through the mediation of self-acceptance in couples. **Aims:** The purpose of this study was to examine the mediating role of self-acceptance in relation personality factors and Glasser's needs regulation with marital satisfaction. **Method:** The sample consisted of 615 available couples who were randomly selected by cluster sampling in different urban areas. statistical population were available couples from 20 to 50 years old in Isfahan. Collected data associated with the NEO-Five Factor Inventory (NEO-FFI)(Costa and McCrae,1992), Glasser's Needs Questionnaire (Sahebi, 1380), Self Acceptance Questionnaire (Chamberlain and Haaga, 2001). and the Perceived Relationship Quality Components (PRQC) (Fletcher, Simpson and Thomas,2000) were used and data were analyzed by Pearson correlation test and structural equation analysis using SPSS software version 25 and Amos 24. **Results:** Pearson correlation results showed structural equation model of marital relationship quality based on personality factors, Glasser's basic needs and self-acceptance had acceptable goodness of parameters. According to results regression analysis showed that all variables had the power to predict the quality of the marital relationship. **Conclusions:** Regarding these results, it can be said that changes in the predictive variables in this research are associated with changes in the quality of marital relationship. Findings indicated that self-acceptance plays a significant mediating role in the effects of personality factors and Glasser's needs on marital satisfaction. **Key Words:** Personality factors, glasser's basic needs, self-acceptance, quality of marital relationship.

Corresponding Author: Masood.dayarian@gmail.com

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.

^۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران

^۱. Ph.D Student Counseling, Department of Educational Sciences and Psychology, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan Branch), Isfahan, Iran

^۲. استادیار، گروه علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

^۲. Assistant Professor, Department of Human Sciences, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran (Corresponding Author)

^۳. استادیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

^۳. Assistant Professor of Clinical Psychology, Department of Educational Sciences and Psychology, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan Branch), Isfahan, Iran

مقدمه

خانواده مهم ترین واحد جامعه است و ازدواج، هسته اولیه ایجاد رابطه خانوادگی و گسترش آن است. کیفیت رابطه زناشویی از عوامل مهمی است که به طور کلی خانواده را تحت تأثیر قرار می دهد (ایدلخانی، حیدری، داوودی و زارع بهرام آبادی، ۱۳۹۷؛ به نقل از عمادی، میرهاشمی و پاشاشریفی، ۱۳۹۹). همچنین این پرسش برای متخصصان خانواده درمانی و زوج درمانی مطرح بوده است که چگونه در برخی از ازدواج ها شاد و موفق است، در حالی که سایر ازدواج ها ناشاد بوده یا به طلاق می انجامد (کاستر، ۲۰۰۹). ازدواج های موفق به سلامت روانی، جسمانی و خانوادگی منجر می شود، حال آن که ازدواج های ناشاد و ناپایدار هم بر بهزیستی افراد تأثیر سوء دارند و هم هزینه های مالی برای جامعه در بر دارد (کاستر، ۲۰۰۹).

در این میان به نظر می رسد کیفیت رابطه زناشویی از جمله عوامل مؤثر بر حفظ ازدواج شاد و موفق است (کارول و همکاران، ۲۰۰۵). کیفیت رابطه زناشویی عبارت است از نگرش ذهنی فرد به رابطه زناشویی (کاستر، ۲۰۰۹) و برآورد همسران از شادمانی آنها در ازدواج (کوهان و برادبری، ۲۰۰۹). کیفیت رابطه زناشویی به صورت های متفاوتی به عنوان شادی از زندگی زناشویی^۱، موفقیت زناشویی^۲، ثبات زناشویی، سازگاری زناشویی^۳ و بیش از هر چیز رضایت زناشویی به کار رفته است. به این ترتیب می توان نتیجه گرفت برای حفظ و ثبات خانواده و برخورداری از خانواده موفق لزوم توجه به کیفیت رابطه زناشویی ضروری است (کارول و همکاران، ۲۰۰۵).

سه دسته از عوامل، یعنی عوامل زمینه ای و بافتی، شخصیتی و سلامت روان و فرآیندهای تعاملی زوجین را می توان به عنوان عوامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات زندگی زناشویی در نظر گرفت. عوامل زمینه ای و بافتی کمترین و فرآیندهای تعاملی زوجین، بیشترین سهم را در پیش بینی کیفیت و ثبات رابطه زناشویی دارند. به این ترتیب با تعیین این عوامل و تغییر آنها می توان در کیفیت ازدواج تغییر ایجاد کرد (لارسون و هولمن، ۱۹۹۴).

نظریه های مختلف زوج درمانی و خانواده درمانی سعی در تبیین روابط همسران و عوامل پیشاینده کیفیت و ثبات زندگی زناشویی دارند و تلاش می کنند تا بر اساس مبانی نظری خود، مداخله ها و راهکارهایی را برای کاهش مشکلات و در نتیجه افزایش کیفیت رابطه همسران و خانواده پیشنهاد کنند (برادبری و کارنی، ۲۰۰۴). در همین راستا معرفی و طرح یک مدل مربوط به عوامل مؤثر بر کیفیت رابطه زناشویی، جنبه های مختلفی نظیر ویژگی های شخصیتی زوجین می تواند تعیین کننده باشد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۸).

ویژگی های شخصیتی از جمله متغیرهایی است که به عنوان پیش بینی کننده موفقیت زندگی زناشویی مورد بررسی قرار گرفته است (فیگاردو و همکاران، ۲۰۰۶). پژوهش ها نشان داده است که چگونه شخصیت در کل با رضایت زناشویی مرتبط است، اما مطالعات باید بیشتر به سمت تأثیر ویژگی های شخصیتی خاص بر رضایت زناشویی برود. در مقایسه با سایر مدل های شخصیت، مدل پنج عاملی دربرگیرنده اصلی ترین ابعاد شخصیت می باشد (کاستا و مک کری، ۲۰۰۴). این پنج عامل (روان رنجوری^۴، برون گرایی^۵، تجربه گرایی^۶، توافق پذیری^۷ و وجدان گرایی^۸) چارچوبی را برای تبیین تفاوت های فردی از نظر شخصیت فراهم می آورد. روان رنجوری را داشتن احساسات منفی مانند ترس، غم، خشم و برانگیختگی تشکیل می دهد. برون گرایی به اجتماعی بودن افراد و این که تمایل به شرکت در اجتماعات و میهمانی ها دارند، ارتباط دارد. تجربه گرایی به جنبه ها یا محدوده های تجربی که فرد در برابر آنها باز و گشوده است، اختصاص دارد. توافق پذیری نیز همانند برون گرایی به گرایش های فردی تأکید دارد. وجدان گرایی نیز به کنترل تکانه ها به عنوان یکی از موضوعات مهم و اساسی در شخصیت افراد می پردازد (دیویس، ۲۰۰۸).

گرچه پنج عامل شخصیت می تواند با کیفیت رابطه زناشویی ارتباط داشته باشد، اما نیازها و هماهنگی بین آنها نیز به عنوان یک مؤلفه مهم شخصیتی زوجین می تواند کیفیت رابطه آنها را تحت تأثیر قرار دهد. سالهاست در متون و پژوهش های مرتبط با

4. Neuroticism
5. Extraversion
6. Openness to experience
7. Agreeableness
8. Conscientiousness

1. Marital Happiness
2. Marital Success
3. Marital Adjustment

یکی از دغدغه‌های به روز متولیان اجتماعی و مشاوران خانواده حفظ خانواده و موفقیت آن می‌باشد. از این رو تاکنون پژوهش‌های گوناگونی به روابط خانوادگی، کیفیت آن و یا سازه‌های مشابه به آن پرداخته‌اند. از جمله شیخ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان نقش میانجی سرمایه روانشناختی در ارتباط با عوامل شخصیتی با کیفیت رابطه زناشویی در بین ۱۷۶ زوج متأهل نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی تجربه‌گرایی و روان‌رنجوری بر سازگاری و کیفیت رابطه زناشویی تأثیر دارد. صادقی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان رابطه تشابه ویژگی‌های شخصیتی زوجین و رضایت زناشویی در بین ۱۰۰ زوج متأهل که حداقل یک سال از زندگی مشترک آنها می‌گذشت، به این نتیجه رسیدند که توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی بالایی داشتند، به طور معنادار رضایت بیشتری از رابطه زناشویی خود گزارش کردند. وزیری (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان پیش‌بینی رضایت زناشویی زوج‌ها بر اساس نیازهای اساسی آنها با حجم نمونه ۸۲ زوج در بین کلیه زوج‌های شهر اصفهان به این یافته رسید که نیاز به عشق و تعلق خاطر و نیاز به تفریح پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار رضایت زناشویی می‌باشند. همچنین فرخ‌زاد (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان بررسی مقایسه‌ای و رابطه‌ای بین سه نوع فاصله‌ی سنی بین زوجین، پنج نیاز اساسی گلاسر و سازگاری زناشویی در بین ۲۵۰ نفر از دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان به این یافته رسید که رضایت از برآورده شدن نیازهای اساسی با رضایت و سازگاری زناشویی رابطه معنادار دارد. تاکت و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان ارتباط بین پذیرش و خودباوری نشان دادند پذیرش بدون قید و شرط کم و خودباوری پایین با رضایت زناشویی کمتر همراه است.

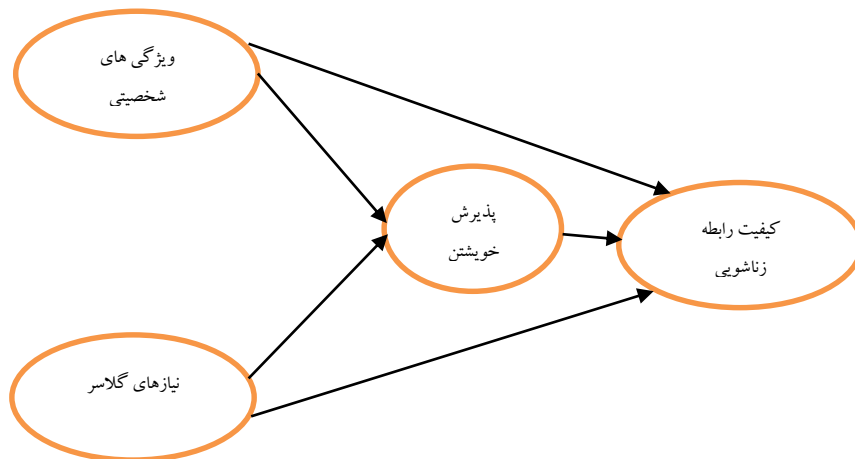
به هر حال کاهش کیفیت رابطه زناشویی یکی از مقدمات نارضایتی زناشویی و جدایی می‌باشد و چنان چه سازه‌های بهبود دهنده آن مورد توجه قرار نگیرد، ممکن است کاهش روابط زوج‌ها منجر به شکست ازدواج شود. بنابراین لازم است بیش از پیش پژوهشگران نقش سازه‌های پیش‌گیرنده را در مدل‌های گوناگون مورد توجه قرار دهند. نتایج حاصل از بررسی این گونه از مدل‌های ارتباطی می‌تواند به استخراج بسته‌های بهبود کیفیت روابط زناشویی و همچنین بسته‌های درمانی آن کمک نماید و به غنای متون پژوهشی، نظری و درمانی کمک نماید. با عنایت به این که مرور پژوهشی نشان داد ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی، نیازهای اساسی

شخصیت، نیازها مورد توجه بوده است. از جمله گلاسر (۲۰۰۱) تعارض زناشویی را ناشی از ناهماهنگی زوجین در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحور بودن، اختلاف در خواسته‌ها و رفتار غیرمسئولانه نسبت به روابط زناشویی تعریف می‌کند که جنبه صمیمیت عشق را مورد هدف قرار می‌دهد. زن و مرد در کنار هم قرار می‌گیرند تا به نحو شایسته‌ای نیازهای یکدیگر را به شکلی متقابل ارضا کنند (گلاسر، ۲۰۰۱). به اعتقاد گلاسر این نیازها شامل نیاز به بقا، عشق و تعلق خاطر، قدرت، آزادی و تفریح می‌باشد. نیاز به بقا بین همه موجودات زنده، مشترک است و به طور کلی به تمایل یک جاندار برای زنده ماندن و داشتن پایگاهی امن در این جهان اشاره دارد. نیاز به قدرت، به تمایل برای کنترل کردن افراد یا امور اشاره دارد. نیاز به آزادی به گرایش انسان به تعمیم و انتخاب و فعالیت کردن اشاره دارد. نیاز به تفریح به احساس شادی و لذتی اشاره دارد که در جریان تجربیات و فعالیت‌های لذت‌بخش و مورد علاقه در شخص ایجاد می‌شود. نیاز به عشق و تعلق مهمترین نیاز انسان است که چهار نیاز دیگر نیز به نوعی در سایه تحقق این نیاز ممکن خواهد بود. زیرا تحقق تمام نیازهای اساسی تنها در یک بافت اجتماعی و در رابطه با دیگران امکان‌پذیر خواهد بود (کاستر ۲۰۰۹).

رضایت افراد از ارضای نیازها می‌تواند متأثر از پذیرش خویشتن هر یک از زوجین باشد. پذیرش خویشتن، هنر پذیرفتن خود است. خود همان طور که هست و با همه نقاط قوت و ضعفی که وجود دارد (درایدن، ۲۰۱۳). پذیرش خویشتن نیز می‌تواند کیفیت رابطه زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. زیرا پذیرش خود عبارت است قبول خود به عنوان فردی که در کنار توانمندی‌ها و نقاط قوتش از نقاط ضعف و معایبی نیز رنج می‌برد؛ زیرا اگر یکی از زوج‌ها خود و ویژگی‌هایش را قبول نداشته باشد، بی‌شک همیشه نیازمند است و احساس ناامنی می‌کند و در رفتارهای حسادت‌آمیز روابط متعدد قرار می‌گیرند یا روی به گیر دادن چسبندگی و یا کنترل‌گری و دغل‌کاری می‌آورند، در حالی که اگر زوجین به خود پردازند و تمرکزشان را بر روی عشق ورزیدن خالصانه قرار دهند، دیگر به احساس تهدید شدن از طرف یکدیگر و یا حسادت‌ورزی نسبت به هم دچار نمی‌شوند و نیازی به کنترل یکدیگر ندارند (گریگر، ۲۰۱۵).

اساسی گلاسر با میانجی‌گری پذیرش خویش می‌توان مدلی برای تبیین کیفیت رابطه زناشویی در زوج‌های متأهل تدوین کرد؟

گلاسر با میانجی‌گری پذیرش خویش در بین زوج‌های متأهل مغفول مانده است؛ پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا بر اساس متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و نیازهای



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

کنندگان ۲۰ تا ۵۰ سال، حداقل تحصیلات، سیکل، عدم ابتلا به سوء مصرف مواد و الکل و عدم دریافت داروهای روان‌پزشکی که به صورت سؤالات کوتاه در ابتدای پرسشنامه‌ها اضافه شده بود و چنانچه فردی دچار چنین مشکلاتی بود قبل از ورود داده‌ها از لیست شرکت‌کنندگان حذف می‌شد، تمایل به شرکت در پژوهش. همچنین ملاک‌های خروج عبارت بود از تقاضای طلاق و یا زندگی در حالت متارکه، عدم تمایل به ادامه جلسات از سوی هر کدام از زوجین لازم به ذکر است به منظور رعایت اخلاق پژوهش در آغاز پرسشنامه‌ها متنی اضافه شده بود که برای آزمودنی‌ها روشن می‌شد که این داده‌ها صرفاً به منظور پژوهش استفاده می‌شود و نتایج آن به شکل گروهی گزارش می‌شود. همچنین به منظور حفظ رازداری، نام و نام خانوادگی افراد به عنوان الزام پژوهش نبود.

ابزار

در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها از چهار پرسشنامه استفاده شد که به شرح زیر است:

پرسشنامه پنج عامل شخصیت نئو^۲: کاستا و مک کری پرسشنامه پنج عامل شخصیت نئو، نسخه کوتاه ۶۰ سؤالی را در سال ۱۹۸۵ تهیه کرده‌اند که روی یک طیف پنج درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم نمره‌گذاری می‌شوند. نسخه کوتاه آن برای سنجش پنج عامل اساسی شخصیت بهنجار است و به منظور تهیه ابزاری

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و همبستگی با استفاده از تحلیل مسیر بود. جامعه آماری این پژوهش شامل زوج‌های ۲۰ تا ۵۰ ساله شهر اصفهان در سال ۱۳۹۶ بودند که حداقل دو سال از ازدواج آنها گذشته و در آستانه‌ی طلاق (تقاضای طلاق توسط یکی از زوجین) نبودند. ملاک انتخاب این جامعه از آن جهت بود که «اثر ماه عسل»^۱ (بوئری و گاریلیدی، ۲۰۰۷) بر کیفیت رابطه زناشویی کنترل شود.

در این پژوهش نمونه‌گیری به صورت تصادفی خوشه‌ای انجام گرفت. به این ترتیب که از هر منطقه بر اساس مناطق شش‌گانه شهرداری اصفهان به صورت تصادفی یک خیابان و از هر خیابان به صورت تصادفی یک کوچه انتخاب شد و همه افراد متأهل برخوردار از معیارهای ورود، وارد پژوهش شدند. در مورد حجم بهینه نمونه طبق نظر قاسمی (۱۳۸۸) به ازای هر سؤال ۵ نفر وارد پژوهش شد. با توجه به این که تعداد سؤالات ۱۲۳ بود و به ازاء هر سؤال ۵ نفر وارد شد، بنابراین حجم نمونه ۶۱۵ زوج در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: دارا بودن سابقه ازدواج حداقل دو سال از ازدواج، حداقل و حداکثر سن برای شرکت

^۱. Honeymoon Effect

اثر ماه عسل یعنی خلسه، کشش، میل، انرژی، شهوت و احساس سلامت که ناشی از یک عشق بزرگ به جنس مخالف است و با رسیدن به جنس مخالف آرام آرام کاهش می‌یابد (بوئری و گاریلیدی، ۲۰۰۷).

2. NEO. Five Factor Personality Inventory

از ۰/۱۳ تا ۰/۷۹، با میانگین ۰/۵۰ بوده است. در پژوهش حاضر همسانی درونی مجدد محاسبه شد ($x=0.78$). پرسشنامه نیازهای اساسی گلاسر^۲: این پرسشنامه که توسط صاحبی (۱۳۸۰) شامل ۲۵ سؤال است که در مقیاس ۵ این پرسشنامه شامل ۲۵ سؤال است که در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت پاسخ داده می‌شود. نمره یک بیانگر پایین بودن شدت نیاز (بسیار کم) و نمره ۵ بالاترین سطح نیاز است. این پرسشنامه ۵ خرده‌مقیاس دارد که نیازهای گلاسر شامل: عشق و تعلق خاطر، قدرت، آزادی، بقا و تفریح را مورد بررسی قرار می‌دهد. همسانی درونی این پرسشنامه ۰/۷۸ و به تفکیک برای هر خرده‌مقیاس: عشق و تعلق خاطر ۰/۷۱، آزادی ۰/۷۱، بقا ۰/۳۶، قدرت ۰/۶۲ و تفریح ۰/۷۲ است. این پرسشنامه روی ۶۰ زوج (۱۲۰ نفر) از مراجعه‌کنندگان به مرکز مشاوره شهر مشهد نرم شده است (سالاری، ۱۳۸۵؛ به نقل از اولادی، ۱۳۹۰).

پرسشنامه پذیرش بی قید و شرط خود^۳: این پرسشنامه که توسط چمبرلین و هاگا (۲۰۰۱) تدوین شد. این پرسشنامه شامل ۲۰ عبارت و دارای دو زیر مقیاس پذیرش بی قید و شرط خود و پذیرش مشروط خود است و برای گروه سنی ۱۴ سال و بالاتر قابل اجرا است. نحوه پاسخ‌دهی به این پرسشنامه به صورت مقیاس لیکرت از کاملاً نادرست=۱ تا همیشه درست=۷ است. شفیق آبادی و نیکنام (۱۳۹۴) پس از دریافت پرسشنامه از سازندگان، در ایران آن را به زبان فارسی ترجمه کردند و پس از یک مطالعه مقدماتی، همسانی درونی پرسشنامه پذیرش بی قید و شرط خود را به روش آلفای کرونباخ (۰/۷۰) به دست آوردند. همچنین روایی همگرایی این پرسشنامه از طریق همبستگی نمرات آن با پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ (۰/۳۷) (>0.08) به دست آمد. در پژوهش حاضر همسانی درونی برای کل مقیاس ($x=0.73$) محاسبه شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها: با توجه به این که روش پژوهش همبستگی و از نوع مدل یابی بود، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. به منظور بررسی پیش فرض هم خطی متغیرهای درون‌زا از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد و متغیرهای باقی‌مانده در مدل رگرسیون که قدرت

کوتاه برای سنجش عوامل و عمدتاً برای استفاده در تحقیقات اکتشافی تهیه شده است (کاستا و مک کری، ۲۰۰۴) در خصوص روایی این پرسشنامه، کاستا و مک کری (۱۹۹۲) اظهار می‌دارند که ابزار کوتاه شده این پرسشنامه با نسخه کامل آن مطابقت دارد، به گونه‌ای که مقیاس نسخه کوتاه همبستگی بالاتر از ۰/۶۸ را با مقیاس‌های پرسشنامه کامل دارد. شاخص‌های مورد بررسی ۵ عامل است که با استفاده از این پرسشنامه که هر کدام از طریق ۱۲ گویه اندازه‌گیری می‌شوند، اندازه‌گیری شدند. در ایران این مقیاس توسط حق‌شناس (۱۳۸۵) تأیید شده است. بر اساس نتایج پژوهش‌های کاستا و مک کری (۱۹۹۲) در هر کدام از شاخص‌های پنج‌گانه مورد بررسی، هر چند نمره پاسخگو بیشتر باشد، شدت شاخص مورد نظر بیشتر خواهد بود. بنابراین نمرات بالاتر نشان دهنده روان رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی بیشتر است.

پرسشنامه کیفیت ابعاد رابطه^۱ (PRQC): پرسشنامه کیفیت ادراک شده از ابعاد رابطه زناشویی که در ترجمه به اختصار کیفیت ابعاد رابطه نام‌گرفت، توسط فلیچرو همکاران (۲۰۰۰) تدوین شده است. این پرسشنامه کوتاه و معتبر شامل ۱۸ سؤال در ابعاد رضایت، تعهد، صمیمیت، اعتماد، شور و هیجان جنسی و عشق است. آزمودنی پاسخ خود را در مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای از ۱=اصلاً تا ۷=کاملاً مشخص می‌کند. فلیچرو همکاران (۲۰۰۰) در ساخت این ابزار تلاش کردند که روایی صوری و همسانی درونی هر یک از ابعاد را بالا برده و در عین حال از همپوشی سؤالات اجتناب کنند. بدین منظور آنان سؤالاتی را برای هر بعد انتخاب کردند که از نظر صوری و معنایی شبیه باشند. روایی و محتوایی این پرسشنامه به استناد پژوهش نیلفروشان (۱۳۸۹) مورد تأیید قرار گرفته است.

فلیچرو همکاران (۲۰۰۰) در پژوهشی بر روی افرادی که روابط با ثبات و طولانی مدت داشتند، پایایی مطلوبی را برای هر یک از ابعاد رابطه نشان دادند به طوری که ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد رضایت، تعهد، صمیمیت، اعتماد، شور و هیجان جنسی و عشق به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۹۶، ۰/۸۶، ۰/۷۸، ۰/۸۶ و ۰/۸۹ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۵ گزارش شده است. همبستگی بین ابعاد شش‌گانه نیز بالا، مثبت و معنادار گزارش شده است. دامنه این ضرایب همبستگی

2. Glasser's Needs Questionnaire

3. Self-acceptance Scle

1. Perceived Relationship Quality Components

مندرجات جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین سنی نمونه مورد مطالعه ۳۴/۸۳ و میانگین مدت ازدواج آنها ۸/۸۹ می‌باشد و نشان می‌دهد که ۵۹/۸ درصد از نمونه مورد مطالعه دارای سطح تحصیلات کاردانی و کارشناسی می‌باشند و فقط ۳/۲ درصد سطح تحصیلات بالاتر و ۳۷ درصد تحصیلات کمتر دارند.

پیش‌بینی کیفیت رابطه زناشویی را داشتند، وارد مدل‌یابی ساختاری شدند.

یافته‌ها

ابتدا داده‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان ارائه شده است.

در جدول ۱ ویژگی‌های سن و طول مدت ازدواج ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی نمونه مورد مطالعه بر حسب سطح تحصیلات، سن و مدت ازدواج				
سطح تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی		
دیپلم و کمتر	۱۵۱	۳۷		
کاردانی و کارشناسی	۲۴۴	۵۹/۸		
کارشناسی ارشد و دکتری	۱۳	۳/۲		
سن و مدت ازدواج	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
سن	۳۴/۸۳	۹/۸۱	۱۹	۶۸
مدت ازدواج	۱۰/۲۴	۸/۸۹	۲	۳۳

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش				
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
روان رنجوری	۳۴/۷۶	۶/۴۴	۲۰	۴۸
پرون‌گرایی	۴۱/۹۷	۴/۹۱	۲۴	۵۱
تجربه‌گرایی	۴۰/۳۷	۵/۶۷	۲۵	۵۲
توافق‌پذیری	۴۱/۵۵	۵/۳۷	۱۸	۵۹
وجدان‌گرایی	۴۲/۹۷	۷	۲۹	۵۸
بقا	۱۵/۵۱	۳/۰۶	۸	۲۱
قدرت	۱۳/۷۰	۴/۱۱	۷	۲۳
تفریح	۱۵/۱۳	۳/۲۱	۷	۲۳
آزادی	۱۶/۳۵	۳/۰۳	۷	۲۳
عشق و تعلق خاطر	۱۵/۱۳	۳/۲۱	۷	۲۳
رضایت	۱۲/۷۸	۵/۲۹	۴	۲۱
تعهد	۱۴/۲۵	۴/۱۳	۵	۲۱
صمیمیت	۱۱/۹۱	۳/۷۳	۵	۱۹
اعتماد	۱۲/۷۵	۳/۷۵	۵	۲۰
شور و هیجان جنسی	۱۲/۶۴	۳/۶۵	۴	۲۱
عشق	۱۵/۰۴	۴/۱۳	۴	۲۱
نمره کل	۳۸/۳۸	۲۰/۴۱	۳۰	۱۱۱
پذیرش خویشتن	۸۴/۸۸	۲۵/۱۱	۲۵	۱۱۵

منظور بررسی احتمال همبستگی بین متغیرهای باقی مانده در تحلیل رگرسیون از آزمون دوربین واتسون استفاده شد نتایج این تحلیل دال بر استقلال خطاها برای متغیرهای پیش‌بین در مدل بود ($d=2/08$) به منظور بررسی وجود همبستگی پرت در بین همبستگی‌ها از نمودار اسکاتر استفاده شد نتایج این بررسی دال بر عدم وجود همبستگی پرت در بین متغیرها بود. در نهایت از شاخص

در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر متغیرهای پژوهش به تفکیک ارائه شده است. در ادامه و در جدول ۳ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. لازم به ذکر است نرمال بودن داده‌های متغیر کیفیت زناشویی به کمک آزمون کولموگروف - اسمیرونوف بررسی شد نتایج نشان توزیع نمره‌ها برای متغیر کیفیت روابط زناشویی نرمال است. به

تورم واریانس VIF به منظور بررسی هم خطی چند گانه استفاده شد
 نتایج نشان داد (VIF= ۳/۰۷۶) که از اعداد بحرانی ۵ کمتر است و
 دال بر عدم هم خطی چند گانه است.

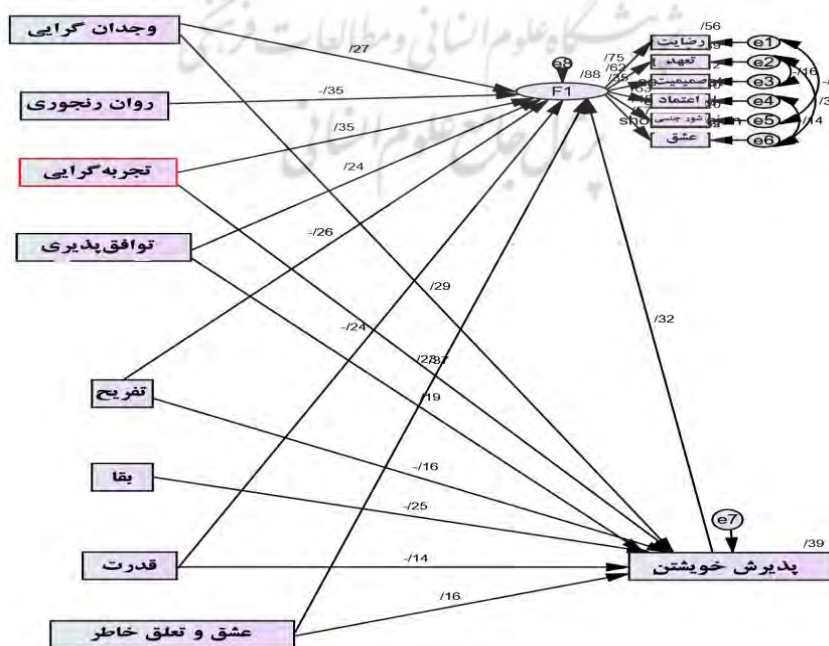
جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. روان رنجوری												
۲. برون گرایی	۰/۱۴**											
۳. تجربه گرایی	-۰/۵۶**	-۰/۱۰*										
۴. توافق پذیری	-۰/۵۶**	-۰/۰۳	۰/۶۵**									
۵. وجدان گرایی	-۰/۵۵**	۰/۱۶**	۰/۶۴**	۰/۶۰**								
۶. بقا	۰/۲۰**	۰/۰۰۵	-۰/۱۵**	-۰/۱۵**	-۰/۲۷**							
۷. قدرت	۰/۶۰**	۰/۱۰**	-۰/۵۸**	-۰/۵۴**	-۰/۵۵**	۰/۱۴**						
۸. تفریح	۰/۵۷**	۰/۱۰*	-۰/۵۷**	-۰/۵۲**	-۰/۵۷**	۰/۱۹**	۰/۶۷**					
۹. آزادی	۰/۰۴	۰/۰۰۷	۰/۰۵	-۰/۰۲	-۰/۰۲	۰/۰۴	-۰/۰۴	-۰/۰۵				
۱۰. عشق و تعلق خاطر	-۰/۴۷**	-۰/۱۴**	۰/۶۶**	۰/۵۴**	۰/۶۰**	-۰/۲۰**	-۰/۵۴**	-۰/۵۱**	-۰/۰۲			
۱۱. پذیرش خویشتن	-۰/۵۸**	-۰/۱۲**	۰/۷۲**	۰/۶۳**	۰/۶۹**	-۰/۳۵**	-۰/۶۱**	-۰/۶۲**	-۰/۰۵	۰/۶۴**		
۱۲. کیفیت رابطه زناشویی	-۰/۶۳**	-۰/۱۴**	۰/۷۰**	۰/۶۳**	-۰/۶۶**	-۰/۲۰**	-۰/۶۴**	-۰/۵۳**	-۰/۰۵	۰/۵۱**	۰/۷۱**	

**= همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. *= همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

در جدول ۳ ضریب ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش نمایش داده شده است. همچنین جهت بررسی مدل پژوهش از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد. ابتدا برازش مدل اولیه بر اساس سنجه های برازندگی ارزیابی شد. بررسی مقادیر شاخص های برازندگی مانند نسبت معذور خی به درجه آزادی χ^2/df ، برازش نسبی (RFI)، نسبت اقتصاد (PRATIO)، برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)، برازش تطبیقی مقتصد (PCFI)، و ریشه دوم

میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نشان دادند که مدل پیشنهادی از برازش خوبی، با داده ها برخوردار نیست و نیاز به اصلاحات دارد. پس از انجام اصلاحات مدل و حذف مسیرهای غیر معنی دار، شاخص های برازش مدل در وضعیت مطلوبی برخوردار شدند و بنابراین پاسخ به فرضیات پژوهش بلامانع بود (جدول ۴). در شکل ۱ مدل اصلاح شده پژوهش ارائه شده است.



شکل ۱. مدل اصلاح شده پژوهش

نام شاخص	مقدار شاخص برای مدل پیشنهادی	مقدار شاخص برای مدل اصلاح شده	نوع تغییر
معیارهای مطلق	۳۱۳/۳۹۲	۱۶۹/۸۷	بهبود
کای دو (χ^2 یا $CMIN$)	۰/۹۵	۰/۹۷	بهبود
برازش هنجار شده (NFI)	۰/۸۹	۰/۹۴	بهبود
برازش نسبی (RFI)	۰/۹۶	۰/۹۸	بهبود
معیارهای تطبیقی	۰/۹۱	۰/۹۶	بهبود
توکر لویس (TLI) یا برازش هنجار نشده (NNFI)	۰/۹۶	۰/۹۸	بهبود
برازش تطبیقی (CFI)	۰/۴۷	۰/۵۰	بهبود
نسبت اقتصاد (PRATIO)	۰/۴۵	۰/۵۱	بهبود
برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)	۰/۴۵	۰/۵۳	بهبود
معیارهای مقتصد	۰/۰۹	۰/۰۷	بهبود
ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۴/۹۰	۳/۲۷	بهبود
کای دو بهنجار شده (CMIN/DF)			

مندرجات جدول ۵ بیانگر این مورد است که تمامی شاخص های برازش مدل بعد از اصلاح مدل بهبود یافته اند و در وضعیت مطلوبی قرار گرفته اند. برای اصلاح مدل دو متغیر ویژگی شخصیتی برون گرایی و نیاز به آزادی که فاقد اثرات معناداری بودند از مدل کنار گذاشته شدند. همچنین مسیر مستقیم متغیر نیاز به بقاء و مسیر غیر مستقیم متغیر روان رنجوری نیز به دلیل عدم داشتن ضرایب معنادار از مدل کنار گذاشته شدند. همچنین بر اساس اصلاحات پیشنهادی نرم افزار AMOS برخی از مقادیر خطا که با هم مرتبط بودن با فلش دو پیکانه به هم متصل گردیدند. در ادامه و در جدول ۶ اثرات مستقیم ویژگی های شخصیتی و نیازهای گلاس بر کیفیت رابطه زناشویی افراد متأهل ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج اثرات مستقیم ویژگی های شخصیتی و نیازهای گلاس بر کیفیت رابطه زناشویی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	اثر مستقیم (استاندارد شده)	حد پایین (استاندارد شده)	حد بالا (استاندارد شده)	سطح معنی داری
ویژگی شخصیتی روان رنجوری	کیفیت رابطه زناشویی	-۰/۱۳ - (-۰/۱۸)	-۰/۱۶ - (-۰/۲۱)	-۰/۱۰ - (-۰/۱۴)	۰/۰۵
ویژگی شخصیتی تجربه گرایی	کیفیت رابطه زناشویی	۰/۱۵ (۰/۱۸)	۰/۱۰ (۰/۱۳)	۰/۱۸ (۰/۲۲)	۰/۰۲
ویژگی شخصیتی توافق پذیری	کیفیت رابطه زناشویی	۰/۱۱ (۰/۱۲)	۰/۰۸ (۰/۰۹)	۰/۱۵ (۰/۱۶)	۰/۰۷
ویژگی شخصیتی وجدان گرایی	کیفیت رابطه زناشویی	۰/۰۹ (۰/۱۴)	۰/۰۶ (۰/۰۸)	۰/۱۲ (۰/۱۷)	۰/۰۳
نیاز به عشق و تعلق خاطر	کیفیت رابطه زناشویی	۰/۱۸ (۰/۱۲)	۰/۱۳ (۰/۰۹)	۰/۲۴ (۰/۱۶)	۰/۰۵
نیاز به قدرت	کیفیت رابطه زناشویی	-۰/۱۴ (-۰/۱۲)	-۰/۱۹ (-۰/۱۶)	-۰/۰۹ (-۰/۰۸)	۰/۰۲
نیاز به بقاء	کیفیت رابطه زناشویی	-	-	-	-
نیاز به تفریح	کیفیت رابطه زناشویی	-۰/۲۰ (-۰/۱۳)	-۰/۲۵ (-۰/۱۷)	-۰/۱۵ (-۰/۱۰)	۰/۰۵

نتایج بدست آمده در جدول ۶ بیانگر این است که ویژگی های شخصیتی روان رنجوری ($P= ۰/۰۰۵$)، تجربه گرایی ($P= ۰/۰۲$)، توافق پذیری ($P= ۰/۰۰۷$) و وجدان گرایی ($P= ۰/۰۳$) بر کیفیت رابطه زناشویی اثر مستقیم معناداری دارند. همچنین نتایج بدست آمده نشان می دهد که نیاز به عشق و تعلق خاطر ($P= ۰/۰۰۵$)، نیاز به قدرت ($P= ۰/۰۲$) و نیاز به تفریح ($P= ۰/۰۰۵$) اثرات مستقیم معناداری بر کیفیت رابطه زناشویی دارند. جهت اثرات بدست برای

ویژگی های شخصیتی تجربه گرایی، توافق پذیری، وجدان گرایی به همراه نیاز به عشق و تعلق خاطر دارای مثبت و برای ویژگی شخصیتی روان رنجوری، نیاز به قدرت، نیاز به تفریح منفی می باشد. در در جدول ۶ اثرات غیر مستقیم ویژگی های شخصیتی و نیازهای گلاس به واسطه پذیرش خویش بر کیفیت رابطه زناشویی ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج اثرات مستقیم و ویژگی‌های شخصیتی و نیازهای گلاسز بر کیفیت رابطه زناشویی با میانجی‌گری پذیرش خویشتن

Sig	حد بالا (استاندارد شده)	حد پایین (استاندارد شده)	اثر غیر مستقیم (استاندارد شده)	متغیر ملاک	متغیر میانجی	متغیر پیش بین
-	(-)	(-)	(-)	کیفیت رابطه زناشویی	پذیرش خویشتن	ویژگی شخصیتی روان رنجوری
۰/۰۰۹	(۰/۰۸) ۰/۰۷	(۰/۰۴) ۰/۰۴	(۰/۰۶) ۰/۰۵	کیفیت رابطه زناشویی	پذیرش خویشتن	ویژگی شخصیتی تجربه‌گرایی
۰/۰۰۴	(۰/۰۵) ۰/۰۵	(۰/۰۲) ۰/۰۲	(۰/۰۳) ۰/۰۳	کیفیت رابطه زناشویی	پذیرش خویشتن	ویژگی شخصیتی توافق‌پذیری
۰/۰۰۹	(۰/۰۶) ۰/۰۵	(۰/۰۳) ۰/۰۲	(۰/۰۵) ۰/۰۴	کیفیت رابطه زناشویی	پذیرش خویشتن	ویژگی شخصیتی وجدان‌گرایی
۰/۰۰۶	(۰/۰۴) ۰/۰۶	(۰/۰۱) ۰/۰۲	(۰/۰۳) ۰/۰۴	کیفیت رابطه زناشویی	پذیرش خویشتن	نیاز به عشق و تعلق خاطر
۰/۰۰۸	(-۰/۰۱) -۰/۰۱	(-۰/۰۴) -۰/۰۴	(-۰/۰۳) -۰/۰۳	کیفیت رابطه زناشویی	پذیرش خویشتن	نیاز به قدرت
۰/۰۰۹	(-۰/۰۳) -۰/۰۴	(-۰/۰۶) -۰/۰۹	(-۰/۰۴) -۰/۰۷	کیفیت رابطه زناشویی	پذیرش خویشتن	نیاز به بقاء
۰/۰۰۵	(-۰/۰۱) -۰/۰۲	(-۰/۰۴) -۰/۰۷	(-۰/۰۳) -۰/۰۴	کیفیت رابطه زناشویی	پذیرش خویشتن	نیاز به تفریح

مناسب با همسر را کاهش می‌دهد. در همین رابطه نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که وقتی نرخ احساسات مثبت در مقایسه با احساسات منفی افزایش می‌یابد، میزان صمیمت و تعامل زوجین کاهش می‌یابد (یوان و همکاران، ۲۰۱۰؛ واتکینز و همکاران، ۲۰۱۵؛ پترسون و جانسن، ۲۰۰۷).

همچنین ویژگی شخصیت تجربه‌گرایی طبق نتایج بدست آمده اثر مثبتی بر کیفیت رابطه زناشویی داشت. این ویژگی شخصیتی تا حدود زیادی بیانگر مواردی همچون علاقه متنوع، ابتکار، نگرش‌های روشن‌فکرانه و پذیرا بودن فرد در روبرو شدن با تجارب جدید می‌باشد. این ویژگی‌ها برای رابطه زوجین می‌تواند کارآمد باشد، چرا که رابطه زناشویی یک رابطه پرچالش می‌باشد که به صورت مسائل و تعارض‌های جدیدی در رابطه خود را نشان می‌دهند (مینوتو، مینوتو و بوستر، ۲۰۱۵؛ توسلی و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین می‌توان گفت ویژگی شخصیت تجربه‌گرایی فرصت روبرو شدن و حل تعارضات در رابطه زناشویی را برای زوجین فراهم می‌آورد و داشتن نگرش خوش‌بینانه همراه با ابتکار و خلاقیت می‌تواند منجر به ایجاد راه‌حل‌های متنوع و جدیدی برای مسائل پیش آمده باشد.

همچنین طبق نتایج پژوهش حاضر با افزایش توافق‌پذیری، کیفیت رابطه زناشویی نیز افزایش می‌یابد. این ویژگی شخصیتی موردی است که صداقت، همکاری، اعتماد به همسر و همدردی را در زوجین افزایش می‌دهد (شیخ و همکاران، ۲۰۱۸؛ عباسی، ۲۰۱۷). در همین راستا نشان داده شده که مواردی همچون صداقت، همدلی و همدردی برای زوجین به منزله مهارت‌های ارتباطی در کنار اعتماد و اطمینان به عنوان مؤلفه‌های تعهد و همچنین بخشش

نتایج بدست آمده در جدول ۶ بیانگر این است که اثرات غیر مستقیم ویژگی‌های شخصیتی تجربه‌گرایی ($P= ۰/۰۰۹$)، توافق‌پذیری ($P= ۰/۰۰۴$) و وجدان‌گرایی ($P= ۰/۰۰۹$) با میانجی‌گری پذیرش خویشتن بر کیفیت رابطه زناشویی معنادار می‌باشد. همچنین نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که نیاز به عشق و تعلق خاطر ($P= ۰/۰۰۶$)، نیاز به قدرت ($P= ۰/۰۰۸$)، نیاز به بقاء ($P= ۰/۰۰۹$) و نیاز به تفریح ($P= ۰/۰۰۵$) بر کیفیت رابطه زناشویی با میانجی‌گری پذیرش خویشتن اثر غیر مستقیم دارند. جهت اثرات بدست آمده برای ویژگی‌های شخصیتی تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری، وجدان‌گرایی و نیاز به عشق و تعلق خاطر مثبت و برای نیاز به قدرت، نیاز به بقاء و نیاز به تفریح منفی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی پذیرش خویشتن در رابطه ویژگی‌های شخصیت و نیازهای گلاسز بر کیفیت رابطه زناشویی انجام شد. در مجموع نتایج ارزیابی شاخص‌های برازش نشان داد که مدل نهایی پژوهش به صورت قابل قبولی با داده‌های جمع‌آوری شده برازش دارد و مدل مفهومی پژوهش تأیید می‌شود. این بدین معناست که روابط متغیرهای مذکور از طریق مدل پژوهش حاضر می‌تواند بهتر مورد بررسی قرار گیرد. نتایج فوق با یافته‌های پژوهش‌های دوار (۲۰۱۹)، قلی زاده و همکاران (۱۳۸۵)، واتسون و همکاران (۲۰۰۰) از جمله پژوهش‌های همسو می‌باشد.

روان‌رنجوری عامل کاهش دهنده کیفیت رابطه زناشویی بود. به این دلیل که روان‌رنجوری تا حدود زیادی بیانگر اضطراب، افسردگی، عدم ثبات عاطفی می‌باشد که عملکرد فرد در رابطه را مانند سازگاری و کفایت‌مندی هیجانی در برقراری ارتباط عاطفی

در پژوهش خود به این یافته رسیدند که رضایت از برآورده شدن نیازهای اساسی با رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی رابطه معنادار دارد. در تبیین تأثیر مثبت نیاز به عشق و تعلق خاطر بر کیفیت رابطه زناشویی می‌توان گفت که رابطه زناشویی را مهم‌ترین پایگاه و بستر برای برقراری یک رابطه عاشقانه و همراه با تعلق خاطر می‌باشد. به عبارتی ماهیت و سنگ بنای رابطه زناشویی همین نیاز می‌باشد و افزایش این نیاز همراه با افزایش احساسات نزدیکی طلبی و صمیمیت می‌باشد. نیاز به عشق و علاقه نیروی اولیه را برای ماندن زوجین کنار همدیگر ایجاد می‌کند. (ترنر، ۲۰۰۷؛ هاورلینکو و همکاران، ۲۰۱۶؛ زیاپور و همکاران، ۲۰۱۷).

یافته دیگر پژوهش حاضر این بود که نیاز به قدرت و نیاز به تفریح اثر منفی بر کیفیت رابطه زناشویی دارند. نیاز به قدرت شامل تمایل برای کنترل کردن افراد یا امور اشاره می‌باشد. اگر چه به طور کلی نیاز به قدرت می‌تواند منبع و محرک خوبی برای پیشرفت فرد در شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی باشد، اما اگر به شکل تمایل شدید به اعمال نفوذ و تسلط بر دیگران، بروز یابد، در واقع می‌تواند بسیاری از جنبه‌های زندگی اجتماعی و روابط بین فردی سالم و سازنده را تخریب کند، عموماً در رابطه زوجین برای کنترل دیگری، از قدرت استفاده می‌شود (کارتر، ۲۰۱۳)؛ یا به عبارتی اعمال کنترل برای وادار کردن دیگری به انجام کاری (استیتس و سرپ، ۲۰۱۳).

همچنین نتایج بدست آمده نشان داد که نیاز به تفریح اثر مستقیم منفی بر کیفیت رابطه زناشویی زوجین دارد. در تبیین اثر منفی بدست آمده می‌توان گفت نیاز به تفریح بیشتر لزوماً معادل با ارضای بیشتر این نیاز و کسب لذت و خوشی ناشی از آن نمی‌باشد. این نتایج نشان داده که کسب رضایت‌مندی از ارضای نیاز می‌باشد که می‌تواند رابطه مثبتی با رضایت زناشویی و کیفیت زندگی داشته باشد (سلطانی فر و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین عدم کسب رضایت از ارضای این نیاز در رابطه زناشویی می‌تواند عامل تخریب‌کننده کیفیت رابطه زناشویی باشد. همچنین. نتایج مطالعات بدست آمده نشان می‌دهد که عدم داشتن مهارت‌های کافی برای برنامه‌ریزی جهت فعالیت‌ها و برنامه‌های مشترک یکی از کمبودهای اساسی زوجین ایرانی می‌باشد (مشکی و همکاران، ۱۳۸۹؛ مسعودی نیا و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین این نقص می‌تواند توانایی زوجین را در تهیه و اجرا برنامه‌های که منجر به رفع نیازهای مانند نیاز به تفریح

اجزاء اساسی کیفیت زناشویی در زوجین مورد تأکید می‌باشد (رجبی و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین می‌توان گفت که ویژگی‌های توافق‌پذیری آن چیزی است که جزء اساسی برای کیفیت و کمیت رابطه زناشویی محسوب می‌شود، چرا که همدلی و صداقت به منزله دارا بود از حداقل مهارت‌های اتباطی برای تعامل روزمره زوجین می‌باشد.

طبق نتایج پژوهش حاضر وجدان‌گرایی ویژگی شخصیتی دیگری بود که اثر مستقیم مثبت و معناداری بر کیفیت رابطه زناشویی داشت. طبق گفته‌های زوجین داشتن ویژگی‌های مانند انصاف، هدف‌گرا بودن و سخت‌کوشی می‌باشد که می‌تواند در مواقع ناسازگاری، کیفیت رابطه زناشویی را از خطر تنزل یافتن حفظ کند (رجبی و همکاران، ۱۳۹۷). برپایه این ویژگی شخصیتی زوجین تمایل دارند که همکاری و تعامل رضایت‌بخش دوطرفه‌ای را برقرار کنند که منجر به انجام نقش‌ها و حل و فصل ناشی از تعارضات زوجی (وایردا بور و همکاران، ۲۰۰۹).

یافته دیگر پژوهش حاضر این بود که ویژگی شخصیت برون‌گرایی فاقد اثر مستقیم معناداری بر کیفیت رابطه زناشویی می‌باشد. در این رابطه یافته‌های پژوهش‌های قبلی تا حدودی متناقض می‌باشد به گونه‌ای که برخی از این پژوهش‌ها بیانگر رابطه مثبت برون‌گرایی با کیفیت رابطه زوجین (برای مثال، بهبودی و همکاران، ۱۳۸۸؛ شاکری و همکاران، ۱۳۹۰)، برخی دیگر بیانگر ارتباط منفی این دو (برای مثال لاندبرگ، ۲۰۱۲). می‌توان گفت که برون‌گرایی ویژگی شخصیتی است که بیشتر با متغیرهای اجتماعی مرتبط بوده و اثرگذاری آن بر رابطه زناشویی تا حدودی نیازمند درک و بررسی متغیرهای اجتماعی میانجی آن می‌باشد که هدف پژوهش حاضر نبوده است.

همچنین در مورد پژوهش مبنی بر تأثیر نیازهای گلاسر بر کیفیت رابطه زناشویی زوجین، نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که نیاز به عشق و تعلق خاطر، نیاز به قدرت و نیاز به تفریح حاصل اثرات مستقیم معناداری بر کیفیت رابطه زناشویی دارند. جهت این اثرات برای نیاز به عشق و تعلق خاطر مثبت و برای نیاز به قدرت و نیاز به تفریح منفی می‌باشد. همسو با این یافته پژوهش، وزیری (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این یافته رسید که نیاز به عشق و تعلق خاطر و نیاز به تفریح پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار رضایت زناشویی می‌باشند. همچنین سلطانی فر و همکاران (۲۰۱۸)

می‌شود را محدود و نارضایتی در رابطه زناشویی توسعه دهد. همچنین نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیت تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی با میانجی‌گری پذیرش خویشتن بر کیفیت رابطه زناشویی اثر معنادار دارند. در این مورد می‌توان گفت که ویژگی شخصیتی تجربه‌گرایی عموماً شامل یک دیدگاه باز و پذیرنده نسبت به زندگی و امور مرتبط می‌باشد که صفات خلاقیت، کنجکاوی و نگرش خوش‌بینانه همراه آن می‌باشد. در همین رابطه نشان داده شده باورها و نگرش‌ها با پذیرش خود رابطه معناداری دارند (دیویس، ۲۰۰۸؛ دیویس، ۲۰۰۶). به گونه‌ای که هر چه این نگرش‌ها مثبت‌تر باشد تمایل به پذیرش خود و دیگران افزایش می‌یابد. همچنین توافق‌پذیری که بیانگر صفاتی مانند قابلیت اعتماد، حس همکاری، و خوش‌باوری می‌باشد، ویژگی شخصیت دیگری بود که به واسطه پذیرش خود بر کیفیت رابطه زناشویی تأثیر داشت. توافق‌پذیری کیفیت شخصیتی محسوب می‌شود که می‌تواند کارآمدی و خودباروری فرد را در چالش‌ها به ویژه تعامل‌های بین فردی بالا ببرد. به عبارتی دیگر توافق‌پذیری با موجب شدن پیامدها و نتایج خوشایند در تعامل‌ها بواسطه حس همکاری و مشارکت جویی که فرد نشان می‌دهد، می‌تواند احساس ارزشمندی و خودباوری را که از لازمه‌های اساسی پذیرش خود می‌باشد فراهم آورد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۶؛ ابستروب، ۲۰۱۱). بنابراین پذیرش خود شامل درک و پذیرفتن کامل احساسات و رفتارهای فرد در قبال خود و همسرش به جای اجتناب و انکار آنها می‌باشد که منجر به بهبود کیفیت رابطه زناشویی آنها با حل مسائل، بهبود صمیمیت و نزدیکی عاطفی می‌شود.

مستقیم معنادار داشتند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که هرگاه این نیازها به طور مناسبی ارضا شوند، احساس و حالات بدنی مطلوب و خوشایندی تجربه می‌شود، اما اگر به هردلیلی ارضای نیازها با شکست و ناکامی مواجه شود، احساسات و حالات بدنی ناخوشایندی تجربه خواهد شد. در واقع احساسات و حالات سرخشی هستند از اینکه آیا نیازهای اساسی در حال حاضر به خوبی تحقق می‌یابند یا خیر (گلاسر و گلاسر، ۲۰۱۰).

یافته دیگر پژوهش حاضر این بود که نیاز به عشق و تعلق با میانجی‌گری پذیرش خویشتن اثر مثبتی بر کیفیت رابطه زناشویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت زمانی که افراد احساس عشق می‌کنند، تجربه لحظه‌ای از حالت خوشبختی و خوشی را دارند و به آنها احساس پذیرش، درک و لذت دست می‌دهد. آنها همچنین احساس امنیت می‌کنند و اغلب خوداعتمادی در آنها بیشتر می‌شود (گرینبرگ و گلدمن، ۲۰۰۸). به عبارتی بازخوردهای فرد مقابل می‌باشد که می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در پذیرش خویشتن فرد بازی کند در چنین شرایطی وقتی فرد حس درک بیشتر از سوی همسرانشان دریافت می‌کنند، زندگی زناشویی بهتری را تجربه می‌کنند (رجبی و همکاران، ۱۳۹۷).

جامعه آماری پژوهش و نوع پژوهش، که از نوع همبستگی است، محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت‌شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می‌کنند که باید در نظر گرفته شوند. به علاوه استفاده از ابزارهای خودگزارشی محدودیت دیگری است. در این نوع ابزارها امکان سوگیری‌هایی وجود دارد، برای مثال ممکن است افرادی مطلوبیت اجتماعی نشان دهند.

با توجه به این که امکان کنترل متغیر در طرح مورد استفاده در پژوهش نبود، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از طرح‌های مانند تحلیل واریانس جهت کنترل متغیرهای مداخله‌کننده مانند وضعیت اقتصادی و اجتماعی استفاده شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده در کنار ابزارهای منحصراً خودگزارشی از ابزارهای دیگر سنجی نیز استفاده شود تا امکان تحلیل‌های کیفی عمیق‌تر از داده‌ها امکان‌پذیر شود.

پیشنهاد می‌شود به منظور اولویت دادن به پیشگیری و نیز ارتقای روابط زوج‌ها در نظام سلامت جامعه برنامه‌های آموزشی مبتنی بر نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر، بویژه اهمیت پذیرش

همچنین نتایج نشان داد که نیاز به بقا و نیاز به تفریح به صورت منفی بر کیفیت رابطه زناشویی با میانجی‌گری پذیرش خویشتن اثر غیر مستقیم دارند دلیل این امر تا حدودی می‌تواند متوجه این مورد باشد که نیاز به بقاء یک نیاز فیزیولوژی بنیادین محسوب می‌شود که اگر برای فرد در اولویت باشد عملاً نیازها و رشد روانشناختی تا حدودی برای فرد از اولویت خارج می‌شود. همچنین باید به این نکته توجه کرد که افزایش سطح این نیاز خود به معنای یک نوع نارضایتی و عدم پذیرش شرایط حال حاضر محسوب می‌شود که می‌تواند تا حدودی تبیین‌کننده تغییرات پذیرش خویشتن باشد.

نیاز به قدرت و تفریح دو نیاز روانشناختی دیگری بودند که با میانجی‌گری پذیرش خویشتن بر کیفیت رابطه زناشویی اثر غیر

- dissolution. *Encyclopedia of human relationships*. [cited 2009]. Available from: URL.
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1980). Influence of extraversion and neuroticism on subjective well-being: happy and unhappy people. *Journal of personality and social psychology*, 38(4), 668.
- Custer, L. (2009). Marital satisfaction and quality. *Encyclopedia of human relationships*, 1030-1034.
- Dryden, W. (2013). *Rationality and pluralism: the selected works of Windy Dryden*. Routledge.
- Figueredo, A. J., Sefcek, J. A., & Jones, D. N. (2006). The ideal romantic partner personality. *Personality and Individual Differences*, 41(3), 431-441.
- Fletcher, G. J., Simpson, J. A., & Thomas, G. (2000). The measurement of perceived relationship quality components: A confirmatory factor analytic approach. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 26(3), 340-354.
- Glasser, W. (2001). *Counseling with choice theory: The new reality therapy*. Harper Collins.
- Glasser, W. (2001). *Counseling with choice theory: The new reality therapy*. Retrieved August 24, 2006.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2012). *Family therapy: An overview*. Cengage learning.
- Tackett, S. L., Nelson, L. J., & Busby, D. M. (2013). Shyness and relationship satisfaction: Evaluating the associations between shyness, self-esteem, and relationship satisfaction in couples. *The American Journal of Family Therapy*, 41(1), 34-45.
- Grieger, R. (2015). *The couples therapy companion: a cognitive behavior workbook*. Routledge.
- Charania, M., & Ickes, W. J. (2006). *Research Methods for the Study of Personal Relationships*.
- خویشتن برای زوج‌های در شرف ازدواج و متأهل توسط نهادهای خدمات رسان جامعه تهیه و اجرا گردد.
- منابع**
- اولادی، زکيه (۱۳۹۰). اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر واقعیت درمانی در کاهش دلزدگی و افزایش رضامندی زناشویی زنان متأهل. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشگاه فردوسی مشهد.
- حق شناس، حسن (۱۳۸۵). راهنمای آزمون پنج عاملی نشو. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- شفیع آبادی، عبدالله؛ نیکنام، ماندانا (۱۳۹۴). رابطه بین کمال‌گرایی با فرسودگی در پرستاران: نقش واسطه‌ای خویشتن‌پذیری غیر مشروط. *مجله مطالعات روانشناختی*، ۱۱ (۱): ۱۳۹-۱۱۵.
- صادقی، منصوره‌السادات؛ موسوی، جمال؛ موتابی، فرشته؛ و دهقانی، محسن (۱۳۹۴). رابطه تشابه ویژگی‌های شخصیتی زوجین و رضایت زناشویی. *مجله روانشناسی معاصر*، ۱۰ (۲): ۸۲-۶۷.
- عمادی، شایا؛ میرهاشمی، مالک؛ پاشاشریفی، حسن (۱۳۹۹). مدل ساختاری برای پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس هیجان خواهی، کمال‌گرایی و راهبردهای تنظیم هیجان با میانجی‌گری تاب‌آوری در زنان متأهل، *مجله علوم روانشناختی*، ۱۹ (۹۲).
- قاسمی، وحید (۱۳۹۲). مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- قلی‌زاده، زلیخا؛ برزگری، لیلی؛ غریبی، حسن و باباپور، جلیل (۱۳۸۹). بررسی پنج عامل شخصیتی با رضایت زناشویی، ماهنامه روانشناسی بالینی شخصیت، دانشگاه شاهد، ۱۷ (۴۳).
- وزیری، مژده (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوج‌ها بر اساس نیازهای اساسی آنها. *رویش روانشناسی*، ۴ (۳): ۹۶-۸۷.
- Boeri, T., & Garibaldi, P. (2007). Two tier reforms of employment protection: A honeymoon effect?. *The economic journal*, 117(521), F357-F385.
- Bradbury, T. N., & Karney, B. R. (2004). Understanding and altering the longitudinal course of marriage. *Journal of Marriage and Family*, 66(4), 862-879.
- Carroll, J. S., Knapp, S. J., & Holman, T. B. (2005). Theorizing about marriage. *Sourcebook of family theory and research*, 263-288.
- Chamberlain, J. M., & Haaga, D. A. (2001). Unconditional self-acceptance and psychological health. *Journal of Rational-Emotive and Cognitive-Behavior Therapy*, 19(3), 163-176.
- Chamberlain, J. M., & Haaga, D. A. (2001). Unconditional self-acceptance and responses to negative feedback. *Journal of Rational-Emotive and Cognitive-Behavior Therapy*, 19(3), 177-189.
- Cohan, C. L., & Bradbury, T. N. (2009). Longitudinal studies of marital satisfaction and